فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال دهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۵-۲۶

آسیب‌های کاربست قاعده تسامح در استفاده از احادیث تاریخی

اکرم جعفری[۱]
مهین شریفی اصفهانی[۲]
علیرضا دل افکار[۳]
سید محمد صدری[۴]

چکیده

تاریخ‌نگاری اسلامی جزئی از حدیث‌نگاری بـوده‌اسـت. حـدیث براسـاس قواعـد سـنجش حدیث در طول تاریخ، توسط محدثان ضبط و تدوین شده‌است. از نظر متن و سند، روایات به دو دسته صحیح و ضعیف تقسیم می‌شوند، از این‌رو برای کشـف حقـایق تـاریخ روایـی تنها باید از گزاره‌های معتبر استفاده کرد. تأسیس قاعده تسـامح در ادلـه سـنن بـر مبنـای حذف شرایط حجیت خبر واحد و تسرّی آن در روایات غیرفقهی از جمله تـاریخی، موجـب آسیب‌هایی در تاریخ‌نگاری شده‌است. این نوشتار برای بررسی آسیب‌های کاربسـت قاعـده تسامح در روایات تاریخی، با روش توصیفی- تحلیلـی و بـا نقـد درونـی و بیرونـی برخـی روایات تاریخی، نشان داده است که به سبب کاربست قاعده تسامح، جعل، دخل و تصرف، تردید و وهن به روایات تاریخی و به تبعِ آن در پژوهش‌های تاریخی راه یافته است.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری روایی، جعل حدیث، حدیث و تـاریخ، قاعده تسامح.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول). mohammadmoein6@gmail.com
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور. msharifi29@yahoo.com
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور. delafkar@pnu.ac.ir
٤. دانشیار گروه فقه و حقوق دانشگاه پیام نور. smsadri@pnu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱٦ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

درآمد

تاریخ روایی در فهم آیات قرآن، ترسیم دقیق سیره معصومین علیهم‌السلام و شناخت شخصیت‌ها در همه دوره‌های تاریخی کاربرد دارد. روایات معصومین برای هدایت انسان‌ها صادر شده اما برخی از آنها می‌تواند کاربرد تاریخی داشته باشد. با استفاده از روایات تاریخی می‌توان با کشف گرایش‌های کلامی و فقهی در ادوار تاریخ به فهم علل و عوامل وقایع تاریخی و پیش‌بینی نتایج حوادث مشابه در آینده پرداخت. از این‌رو روایات تاریخی برای محدثین بسیار حائز اهمیت است.

نقل صرف روایات تاریخی آسیب‌هایی دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به ناسازواری گزارش‌های تاریخی، توجه فراوان به نقل همه روایات و عدم پالایش اسناد گزارش‌های تاریخی اشاره کرد. سرچشمه این آسیب‌ها به شیوه اتخاذ مبانی و ملاک‌های نقل و نقد محدّث و تسامح او در ارائه گزاره‌های تاریخی برمی‌گردد؛ به همین جهت متون تاریخی نیازمند ارزیابی است. مناسب‌ترین روش ارزیابی نیز بهره‌گیری از رهیافت‌های انتقادی و قواعد حدیثی است (عمری، ۲۷٤). پیش‌فرض تاریخ‌نگاران مسلمان درباره مورّخ مسلمان، همان شاخصه‌های عقل، عدالت، ضبط و اسلام در نزد محدثین است (سخاوی، ۱۱٤؛ کافیجی، ٦۷). با داشتن این اوصاف، اعتماد به نقل‌های تاریخی بیشتر، ضریب خطا در داوری‌های تاریخی کمتر و احتمال جعل حوادث منتفی خواهد شد. بنابراین مورّخ در مواجهه با تاریخ روایی باید با بکارگیری قواعد درایه و رجال، سنجش متون و أسناد روایات، تعیین حجیت آنها[1]، مقایسه

۱. در دوره‌های حضور معصوم و بنابر توصیه ایشان، راویان همواره به سندنگاری دقت داشته‌اند. پس از نابودی جوامع اولیه حدیثی، معیارهایی وضع شد که برپایه آنها، صحّت و حجّیت سند و متن حدیث سنجیده می‌شد. معیار عالمان متقدم در تعیین حجیت یا عدم حجیت خبر واحد، نسبت به متأخران متفاوت است. روش قدما کسب وثوق صدوری روایت و توجه به حجیت عقلاییه روایت بود. لذا بیش از سند روایت، بر متن و محتوای روایت متمرکز بودند. متقدمین در بررسی احادیث به دو ملاک «منبع نقل حدیث و وجود روایت در اصلها» و همچنین «عدم تعارض متن حدیث با ادله معتبر (قرآن، حدیث، عقل)» بسیار اهمیت می‌دادند و سایر قرائن مانند شهرت روایی یا عملی روایت و ویژگی‌های راوی، امارات و قراینی برای یافتن این وثوق و اطمینان بودند. اما روش متأخران کسب وثوق سندی و توجه به حجیت تعبدیه روایت از طریق بررسی راویان و ارزیابی زنجیره اسناد حدیث و حالات راویان با کمک علم رجال است. در این روش هرگاه خبری شرایط و صفات مورد نظر ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

نسخه‌های تاریخی و توجه به منابع جعلی تاریخی، داده‌های ضعیف و بدون پشتوانه را کنار گذارد.

اعتبار و اصالت روایات در احکام الزام‌آور فقهی (حلال و حرام) و اعتقادات برای محدثین بسیار ضروری بوده‌است. اما رعایت این اعتبار و اصالت در دیگر موضوعات برای عده‌ای از محدثین الزامی نداشت؛ چراکه از نگاه آنها چنین روایاتی موجب قصور در أعمال مکلّف نمی‌شد. این افراد با الغاء شرایط حجیت خبر، احادیث نامعتبر را در کتاب‌های خود ثبت می‌کرده‌اند. الغاء شرایط حجیت خبر سیر تکاملی به خود گرفت و پس از تدوین قواعد اصولی، با عنوان «تسامح در ادله سنن» در کلام بزرگان قاعده‌مند شد. برای نمونه شهید اول (متوفای ٧٨٦) در این‌باره می‌نویسد: «أنّ أخبار الفضائل یتسامح فیها عند أهل العلم» (شهید اول، ٣٤/٢). احمد بن فهد (متوفای ٨٤١) نیز درباره تسامح در ادله سنن می‌نویسد: «فصار هذا المعنی مجمعاً علیه بین الفریقین» (ابن فهد حلّی، ١٣). اهل سنت نیز با رویکرد برخورداری حداکثری از احادیث ضعیف، از قاعده مزبور با عنوان «العمل بالخبر الضعیف فی فضائل الأعمال» نام می‌برند. نووی (٨/ ٢٦١) به اتفاق‌نظر اهل سنت در پذیرش قاعده تسامح در ادله سنن بین محدثین و فقهاء در موضوعات غیر احکام واجب و حرام اشاره کرده است.

هرچند قاعده تسامح در ادله سنن مخصوص روایات سنن (مستحبات) بود، اما به‌تدریج دامنه آن به دیگر موضوعات روایی از جمله روایات تاریخی نیز کشانیده شد و نتیجه آن، وجود ثبت احادیث ضعیف و گاه بی‌پایه در جوامع روایی است. این پژوهش به دنبال واکاوی عوارض تسامح در روایات تاریخی است. فرضیه نوشته حاضر آن است که الغاء شرایط حجیت خبر واحد و إعمال قاعده تسامح در ادله سنن در متون روایی تاریخی، سبب بروز آسیب‌هایی ازجمله نفوذ پدیده جعل و دخل و تصرف در روایات تاریخی، تردید در تاریخ‌نگاری‌های روایی و تاریخ‌سازی‌های بدون مبنا

راوی (وثاقت، ضبط و یا ایمان) را دارا بود، حجت است و در غیر این صورت، حجیت ندارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به منطق فهم حدیث، دروس هفتم، هشتم و چهاردهم).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

شده‌است. این تحقیق با روش‌های توصیفی- تحلیلی و با رویکرد مورد پژوهی[1] به ارزیابی داده‌های مصداقی تاریخ روایی می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

درباره موضوع تسامح در ادله سنن مقالات و کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمده که بحث محوری بیشتر آنها بررسی اصل قاعده و اثبات یا رد آن است؛ لذا اثری که به موضوع مورد بحث این مقاله اشاره کند، یافت نشد. با این همه برای نقد و بررسی روایات تاریخی دوره اسلامی پژوهش‌هایی انجام شده که از مهمترین آنها می‌توان به کتاب *آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشیّع و روش نقد اخبار* اثر یوسفی غروی (۱۳۹٤ش) اشاره کرد. غروی در بخشی از این کتاب به نقد اخبار تاریخی پرداخته است. مجید معارف (۱۳۸۵ش) در مقاله «رابطه تاریخ و فهم و نقد حدیث» به پیامدهای بی‌توجهی نسبت به ارتباط حدیث و تاریخ و نقص در فهم روایات اشاره دارد. رسول جعفریان نیز در دو مقاله جداگانه «شیوه نقد اخبار تاریخ اسلام در *بحارالانوار* (۱۳۹۵ش)» و «روش ابن حزم در نقد اخبار تاریخی (۱۳۸۲ش)» به اینکه نویسندگان مذکور بیشتر به ملاک‌های محدثان در نقد حدیث توجه داشتند، پرداخته‌است. مقاله «رهیافتی به ضوابط معیار قرار گرفتن تاریخ برای ارزیابی روایات» اثر مشترک حسن بیگی و جودکی (۱۳۹۸ش) به ضوابطی چون اجماع مورّخان، سکوت مورّخان، استمرار عمل در زمان اصحاب و نقادی کردن به شیوه محدثان اشاره کرده‌است. توحیدی‌نیا و صفری فروشانی (۱۳۹٤ش) نیز در مقاله «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم هجری» به مقایسه رویکرد و انگیزه‌های محدثین و مورّخین در ثبت وقایع تاریخی اشاره کرده‌اند.

۱. ارتباط حدیث و تاریخ

میان حدیث و تاریخ اسلامی ارتباط ناگسستنی وجود دارد. اشتقاق تاریخ‌نگاری از روایت‌نگاری اسلامی، در ابتدا با موضوع قصص انبیاء و در ادامه به تاریخ صدر اسلام و سپس به تاریخ جهان کشانده شده‌است. تاریخ‌نگاری اسلامی بخشی از تکامل عمومی

1. Case study

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

فرهنگ به شمار می‌رود که به‌تبع سلف خـود، اخبارنگـاری، بـا علـم حـدیث ارتبـاطی محکم و البته سزاوار پژوهش یافت (سجادی و عالم‌زاده، ١٤). احمد امـین بـر شـباهت سبک و اسلوب نقل وقایع تاریخی به رویدادها و متون حدیثی با استناد به آثاری چـون *سیره ابن هشام*، *فتوح البدان* بلاذری و *تاریخ طبری* تأکید می‌کند (امین، ١٩٩، ٢٦٧).

اسرار آل محمد نخستین کتاب حدیثی شیعی اثر سلیم بـن قـیس هلالـی (قـرن١) بـا رویکرد تاریخی و شکل‌گیری تشیع نگاشته شد. البته در مورد صحت یـا سـقم مطالـب این کتاب اختلاف است.[1] تا مدتی طولانی، مورّخین همـان علمـای حـدیث بودنـد کـه ضمن اهتمام به تدوین روایات نبوی، به جمع‌آوری وقایع تاریخی با ذکر سند نیز توجه داشتند. در جوامع حدیثی کهن شیعه، اطلاعات ارزشمند تاریخی درباره سیره و مغـازی پیامبر ﷺ و زندگی سایر معصومین علیهم‌السلام به گونه‌ای پراکنده در ابواب مختلـف وجـود دارد. برای نمونه کلینی (متوفای ٣٢٩) در *الکـافی*، احادیـث بسـیاری از قـول ائمـه علیهم‌السلام درباره تاریخ صدر اسلام، تاریخ تولد، مدت عمر، محل دفنِ حضرت علـی علیه‌السلام، تـاریخ تولد و شهادت ائمه علیهم‌السلام و روایـاتی دربـاره سـیره معصـومین علیهم‌السلام آورده اسـت. *عیـون اخبارالرضا* اثر شیخ صدوق (متوفای٣٨١) مبتنی بر منابع تاریخی ارزشمندی چون اخبار خلفاء بنی‌العباس است. در منابع حدیثی اهل سنت نیز گزاره‌های تـاریخی وجـود دارد، مانند کتاب «الجهاد و السیر» از *صحیح* بخاری که در آن مطالب تاریخی درباره غـزوات پیامبر اکرم ﷺ، چگونگیِ گرفتن خمس و جزیه در زمـان پیـامبر ﷺ و پـس از آن آمده است. همچنین وی در کتاب «الاصحاب» مطالبی درباره صحابه و مناسـبات ایشـان با پیامبر ﷺ و در کتاب «مناقب الانصار» نیز اطلاعات ارزشمندی درباره انصـار آورده است (بخاری، ٢٣٠/٤– ١٨٨). کتاب‌هـایی بـا موضـوع «السِّـیر و السـنن» ماننـد *السـنن دارمی*، *السنن ترمذی* و ابواب فضائل الجهاد نیز درباره غزوات صـدر اسـلام اطلاعـات

١. رک. مقاله «کتاب سلیم بن قیس هلالی» اثر قاسم جوادی، علوم حدیث، بهار و تابستان٨٤، شماره ٣٥و٣٦؛ مقاله «٣١ نکته در باب سلیم به قیس و کتاب او»، اثر محمدعلی روضاتی، ترجمه عبدالحسین طـالعی، فصـلنامه سـفینه، زمستان٩٣؛ مقاله «بررسی و نقد متفردات کتاب سلیم بن قیس هلالی» اثر مجید معارف و مژگان خان بابا، فصـلنامه علوم حدیث، تابستان٩٤، شماره٧٦.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

سودمندی دارند. آثار معرفی شده صرفاً به نقـل اخبـار پرداختـه‌انـد. اخبـار آمیـزه‌ای از صحیح و سقیم بوده و نویسندگان کمتر به نقد آنها می‌پرداختند.

دریافت‌های تاریخی از روایات، مربوط به سه قرن اول اسلامی است و تاریخ‌نگـاری به مفهوم خاص و در قالب تک‌نگاری‌هـای تـاریخی در قـرن دوم شـروع شـده‌اسـت.[1] برخی معتقدند در قرن اول هجری تاریخ نوشته شده‌است و افرادی مانند طبری روایـات خود را از منابع مکتوب گرفته‌اند.[2]

۲. تسامح در ادله سنن در احادیث تاریخی

قاعده تسامح در ادله سنن با هدف عـدم سـخت‌گیـری در روایـات مربـوط بـه سـنن (مستحبات) تأسیس شد. دو عامل «روایات و جریان‌های حدیثی» در گسترش رویکرد بـه «قاعده تسامح در ادله سنن» اثر گذار بودند. عوامـل روایـی شـامل «احادیـث مـن بلـغ[3]»، «احادیث خطر رد روایات[4]»، «احادیث پذیرش سخنان عقل‌پسند[5]» و عوامل تاریخی شامل جریان‌های حدیثی «اخباری‌گری»، «اهل الحدیث» و «حشویه» هستند که به واسـطه مبـانی

۱. این تک‌نگاری‌ها با محوریت پیامبران با عنوان «القصص» مانند *قصص الانبیاء* اثر وهب بن منبـه (متوفـای۱۱٤)، پیامبر اسلام و جنگ‌ها مانند *المغازی* ابن شهاب زهری (متوفـای۱۲٤) و *المغـازی* واقـدی (متوفـای۲۰۷)، *السـیره* نوشته سلیمان بن طرخان و *المقاتل* مانند *مقتل علی* نوشته ابومخنف و در دوره‌های بعد با عنوان «الطبقـات» ماننـد *طبقات الکبری* اثر ابن سعد (متوفای۲۳۰) نوشته شده‌اند. کتاب *التـاریخ* عوانـه بـن حکـم (متوفـای۱٤۷) نخسـتین کتابی بود که عنوان تاریخ بر آن اطلاق شده‌است (سجادی و عالم زاده، ۷۲).

۲. طبری (٤/ ۲۲۰) در بخشی از کتابش به مکتوب بودن منابع مورد استفاده خود اشاره کرده‌است: «وحـدثنی عمـر مرۀ أخری فی کتابه الذی سماه کتاب أخبار أهل البصرۀ فقال حدثنی أبو الحسن المدائنی قال لما عقد معاویۀ لعبیـد الله بن زیاد علی خراسان خرج وعلیه عمامۀ وکان وضیئا والجعد بن قیس ینشده مرثیۀ زیاد أبـق علـی عـاذلی مـن اللوم».

۳. در منابع روایی شیعی و سنی تعدادی حدیث از رسول خدا ﷺ موجود است که به «روایات من بلغ» مشـهور شده‌اند. مضمون این روایات عبارت است از اینکه چنانچه از خدا یا رسول خدا ﷺ چیزی به شـما رسـید و آن عمل را به قصد کسب ثواب انجام دادید، ثوابش را خواهید برد حتی اگر رسول خدا آن را بیان نکرده باشد (برقی، ۲۵/۱).

٤. «من رد حدیثا بلغه عنی فأنا مخاصمه یوم القیامۀ، فإذا بلغکم عنی حدیث لم تعرفوه فقولوا: الله أعلـم» (طبرانـی، ٦/ ۲٦۲).

۵. «إذا کان کلام حسن، لم أر بأسا من أن أجعل له إسنادا» (ابوریه، ۱٤۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

فکری خود، بسیاری از روایات را معتبر تلقی کرده‌اند (جعفری و دیگران، ۱۰۱–۸۸).

با گذر زمان دامنه تسامح به سایر موضوعات روایی از جمله گزاره‌های تاریخی نیز گسترش یافت. علماء درباره جواز کاربست قاعده تسامح در گزارش‌های تاریخی اختلاف دارند. کافیجی (متوفای ۸۷۹) اعتماد به منقولات ضعیف تاریخی و تسامح را با هدف ترغیب و ترهیب بلااشکال دانسته، با این شرط که مخاطب را از ضعف قول آگاه سازد (کافیجی، ٦٤). شهید ثانی (متوفای ٩٦٥) می‌نویسد که فقها عمل به خبر ضعیف را در قصه‌ها، موعظه‌ها و اعمال مستحب جایز می‌دانند به این شرط که ضعف روایت منجر به وضع آن نگردد (شهید ثانی، ٩٤). علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۱) حدود سی و هشت جلد از کتاب *بحارالانوار* را به تاریخ انبیاء، پیامبر اسلام ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام اختصاص داده و در ارائه گزارش‌های روایی- تاریخی بیشترین سهم را دارد. مجلسی در اعتبارسنجی برخی مسائل تاریخی، به پیروی از گذشتگان به دلیل کمبود اخبار و تلاش در حفظ موجودیت روایات، چندان سختگیری نداشته و بیشتر آنها را با اخبار معتبری که آورده، تأیید می‌کند (علامه مجلسی، *بحارالانوار*، ۱/ ۲۹٤). در مقابل مورّخینی مانند ابن حزم اندلسی (متوفای ٤٥٦) با اشراف بر نواقص رویکرد محدثین تسامح‌گرا، در آثاری مانند *نقط العروس فی تاریخ الخلفاء*، *رساله فی امهات الخلفاء*، *جوامع السیره*، *حجه الوداع*، رویکرد انتقادی به روایات تاریخی دارد. ابن خلدون (متوفای ۸۰۸) در مقدمه معروف خود می‌نویسد: «مورّخ اگر تنها به نقل اخبار اعتماد کند، بدون آنکه به قضاوت در مورد اصول عادات، رسوم و قواعد سیاست‌ها و تمدن و کیفیت اجتماعات بشری بپردازد و حوادث نهان را با وقایع پیدا و اکنون را با گذشته بسنجد، چه بسا که از لغزیدن در پرتگاه خطاها و انحراف از راستی در امان نماند» (ابن خلدون، ١٤–١٠). هاشم معروف الحسنی (متوفای ۱۹۸۳) در *دراسات فی الحدیث و المحدثین* و علامه عسکری (متوفای ١٣٨٦) در *معالم المدرستین*، *یکصد صحابه ساختگی*، *احادیث ام‌المومنین عایشه* و *عبدالله بن سبأ* روایات تاریخی را مورد نقد قرار داده‌اند. علامه عسکری، درک درست از تاریخ اسلام از ابتدای بعثت تا بیعت یزید بن معاویه را منوط به ارزیابی بی‌طرفانه روایات افرادی چون عایشه به قصد کشف حقیقت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

می‌داند (عسکری، *نقش عایشه در تاریخ اسلام*، ۱۳/۱). علامه جعفر مرتضی عاملی (متوفای ۱٤٤۱) نیز در کتاب *الصحیح من سیرة النبی* همه مساعی خود را بکار گرفت تا با به‌کارگیری ملاک‌های بررسی روایات مطرح در جلد اول کتاب، نگاهی نقّادانه و تحلیلی به روایات داشته و در نهایت سیره‌ای منقح ارائه دهد. علامه مامقانی نیز انتساب مواعظ و قصص به پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام با مجوز تسامح در ادله سنن و بدون طریق معتبر را جایز نمی‌داند (مامقانی، ۱/ ۱٦۰).

درباره کمیّت بکارگیری قواعد سنجش حدیثی در گزارش‌های تاریخی عده‌ای معتقدند، قواعد بررسی سند اخبار تاریخی نباید مانند اخبار فقهی باشد؛ چرا که در آن صورت خبر تاریخی در حد فهرستی اجمالی از سیره معصوم باقی خواهد ماند و حتی ملاک، اعتماد عرفی به مفاد و محتوای مجموعه اخبار و اطمینان از عدم ورود جعلیات و تحریف به آن اخبار است (یوسفی غروی، ۱۲۷). در مقابل برخی مانند علامه عسکری معتقد به بررسی حداکثری سند و متن روایات هستند و تسامح متقدمین در احادیث غیرفقهی سبب ورود بسیاری از احادیث مکتب خلفا و زنادقه به معارف شیعه شده که باید آنها را شناخت و خارج کرد (ادیبی لاریجانی، ۱۱۷).

اعتبار روایات تنها به وثاقت راوی و منبع نیست؛ بلکه ممکن است، حادثه‌ای در منابع به ظاهر معتبر ذکر شود، اما طبیعت اجتماعی حوادث، بطلان آنها را آشکار سازد؛ لذا نگارنده بر این باور است که باید ارزیابی متون و أسناد بر اساس معیارهای سنجش حدیث در کنار هم باشد. در گام اول بررسی سندی و در گام دوم تحقیق متنی و توجه به فضای صدور را برای راستی‌آزمایی روایت به کار برد.

۳. آسیب‌های کاربست قاعده تسامح در روایات تاریخی

ثبت بی‌ضابطه روایات تاریخی و الغای شرایط حجیت اخبار تاریخی، پیامدهای سوئی بر اعتبار تاریخ اسلام دارد. در این بخش آسیب‌های بکارگیری قاعده تسامح در روایات تاریخی ارائه می‌شود:

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

۱.۳. جعل در روایات تاریخی

تأسیس و تسرّی قاعده تسامح موجب الغای نقد درونی و برونی متون و أسناد سنن و قصص شد و اخبار ساختگی[۱] در جوامع روایی راه یافت. در نقد بیرونی، مورّخ می‌کوشد صحت سند تاریخی را اثبات کند و نوع خط و کاغذ، مؤلف، زمان تدوین و مکان آن را تعیین کند. هدف از نقد درونی دست‌یابی به حقایق تاریخی از خلال اسناد و منابع موجود است. این نقد دو گونه دارد: ایجابی و سلبی؛ نقد درونی ایجابی عبارت است از تحلیل منبع تاریخی برای تفسیر و درک معنای آن از طریق تفسیر ظاهر متن و فهم معنای لفظی آن و همچنین از طریق فهم معنی حقیقی متن و شناخت غرض مؤلف. در نقد درونی سلبی نیز هدف، شناخت حقایق و دور گرداندن امور غیر واقع از آن است (آئینه‌وند، ٤٨٦، ٤٩٠). حذف ملاک‌های بررسی روایات این برداشت را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که هر روایتی اعم از آنکه دارای سند کامل یا مرسل باشد، متنی همسو با ملاک‌های بیرونی قرآن، سنت و عقل باشد یا غیرهمسو و متعارض، همگی این قابلیت را دارد که به عنوان حدیث تلقی شود. به این ترتیب تلاش‌های علمای متقدم در امر پالایش و گزینش حدیث هیچ انگاشته می‌شود. علامه عسکری در مطالعات تاریخی بر پایه روایات، به این نتیجه می‌رسد که در تاریخ و سیره آن‌قدر دروغ وارد شده که گاه نقش‌ها جابجا شده، بنابراین باید تمام روایات کتاب‌های تاریخی به لحاظ سند و محتوا بررسی و با همانندشان مقایسه شود و در نهایت باید نتایج چنین تحقیقاتی را پذیرفت (عسکری، *یکصد صحابه ساختگی*، ۱/ ۲۲،۲٦). وجود منابع تاریخی حاوی جعلیات و پذیرش قاعده تسامح، سبب می‌شود تا بررسی‌های روشمند انجام نگیرد و یا اثر فعالیت‌های پژوهشی دقیق را کمرنگ سازد. در این قسمت برخی از روایات جعلی معرفی می‌شود:

۱. این روایات از طریق نقد سند و متن و با کمک دو روش بررسی رجالی و درایه‌ای قابل شناسایی هستند. اشکالات سندی روایات جعلی عبارتند از حضور افراد دروغگو در سند، افتادگی و انقطاع در سند، عدم امکان رویت راوی و مروی عنه و مانند اینها، در ناحیه متن نیز رکاکت لفظی، تضاد محتوای روایات با قرآن، سنت معتبر، عقل، حس و تجربه و مانند اینها (مسعودی، ۲۸۰-۲۱۷).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

۱. شاید از پربسامدترین موضوعات این افزوده‌ها در تشیّع مربوط به شهادت حضرت زهرا علیها السلام و شهادت امام حسین علیه السلام و در منابع اهل سنت مربوط به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله است. برای نمونه درباره تدفین حضرت زهرا علیها السلام و بیرون آمدن دستی از قبر ایشان جهت دفن، تنها ابن شهر آشوب (متوفای۵۸۸، ۳/ ۱۳۹) این روایت را با تعبیر «رُوی» و مرسل نقل می‌کند و پس از وی، علامه در *بحارالانوار* (مجلسی، ٤٣/ ١٨٤) متذکر آن می‌شود و تا دوره معاصر روضه‌خوانان مطالب و داستان‌های دیگر به آن افزوده‌اند.

۲. حسن بن محمد دیلمی (متوفای ٨٤١) در بخش نخست «ارشاد القلوب» روایاتی با محوریت اخلاق و در بخش دوم فضائل امام علی علیه السلام را جمع آوری کرده است. گاه تک گزاره‌هایی در این کتاب دیده می‌شود که برخی از آنها فقط ریشه و پیشینه در همین کتاب دارد و متأخرین نیز روایات آن را در کتب خود منعکس کرده‌اند. از جمله اینکه در بخش دوم کتاب، دیلمی روایت مرسل جابر جعفی را درباره أشجع بن مزاحم، کارگزار ابوبکر در امور وقف حومه مدینه به شکل مفصل می‌نویسد. محتوای خبر به ماجرای عدم بیعت امام علی علیه السلام با ابوبکر اشاره دارد و اینکه یاران حضرت در برابر دیدگان ایشان، اشجع را به دلیل تصاحب املاک حضرت در اطراف مدینه به طرز فجیعی می‌کُشند (دیلمی، ۲/ ٣٨٤). پیشتر، هیچ محدثی آن را گزارش نکرده و سپس، علامه مجلسی روایت را به نقل از «*ارشادالقلوب*» و البته با نگاهی انتقادی (مخالف سیره و اخبار) گزارش می‌کند (علامه مجلسی، ۲۹/ ٤٣). سند این روایت دارای إرسال بوده و ضعیف است و نام اشجع در هیچ یک از منابع رجالی فریقین ثبت نشده‌است. در نقد محتوایی نیز باید گفت در شرایطی که حضرت علی علیه السلام به دلیل مسئله جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی غاصبین حکومت بر جان خود و هاشمیان بیمناک است و از هرگونه درگیری با آنها پرهیز دارد و حکومت از اهل بیت علیهم السلام به أشکال گوناگون سلب توان مالی کرده است، منطقی به نظر نمی‌رسد به علت چنین حادثه‌ای شمشیر کشیده و جان خود و اطرافیان را به خطر اندازند. هرچند که این حادثه منافاتی با شجاعت ایشان و یارانش ندارد. البته مصلحت اندیشی و انتخاب سکوت از سوی امام علی علیه السلام، با نقل مذکور در تعارض است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

۳. روایات با مضامین مناقب و مثالب اماکن و اعلام بر فرهنگ جامعه و گاه نگاه فراملی تاثیر می‌گذارد. تعصب قومی و نژادی در همه ادوار تاریخ وجود داشته و سبب ایجاد جنگ‌های گوناگون شده‌است. «گزارش‌های فراوانی در ستایش یا نکوهش شهرها و اقوام در دست است که بیشتر آنها بی‌سند و بی‌ریشه‌اند. در صورت پذیرش صدور این متون، باید گفت بسیاری از آنها ناظر به زمان صدور بوده و به دیگر زمان‌ها قابل تسرّی نیستند» (طباطبایی، ٤٢٠). در دوره اموی آتش تعصبات قومیّتی برافروخته شد و جعل حدیث با موضوع فضیلت یا مذمت‌تراشی اماکن و اشخاص ابزار مناسبی برای حکّام اموی بود (مسعودی، ٧٤) تا به وسیله آن قلمرو حکومتی خود را استحکام بخشند. طبق تحقیقی در روایات دالّ بر مدح ایرانیان، این نتیجه به دست آمد که از دیدگاه امامیه این روایات ضعیف بوده و تلقّی به صحت این روایات نزد عامه مردم، درست نیست (معارف و میرحسینی، ٦١). حتی در مراحلی از تاریخ در اثر تنش‌های علمی موجود بین دو مکتب حدیثی مهم شیعی یعنی قم و کوفه، برخی روایات توسط افراد مغرض جعل شده و با کمک افراد ساده لوح و بر اساس قاعده تسامح در کتب دیگر رواج یافته است (حسینی، ١٥١). برای نمونه امام صادق علیه‌السلام در روایتی فرمود خداوند از میان همه شهرها، سه شهر قم، کوفه و تفلیس را برگزید (قمی، ٩٧). *تاریخ قم* اثر حسن بن علی بن الحسین قمی (متوفای ٣٧٨) نخستین منبع روایت و پس از آن *بحارالانوار* روایت مذکور را گزارش کرده است (علامه مجلسی، ٢٠٤/٥٧). سند و متن روایت قابل مناقشه است. طبق منابع رجالی خالد بن یزید فرد ثقه‌ای است، اما درباره حسن بن یوسف راوی خالد مطلبی که دال بر زمان حیات و وثاقت وی باشد، یافت نشد. سند روایت از حسن بن یوسف تا قرن چهارم (زمان نویسنده تاریخ قم) منقطع است؛ چرا که طبق این سند بین حسن بن یوسف و امام صادق علیه‌السلام تنها یک واسطه (خالد بن یزید) وجود دارد. در بررسی محتوایی نیز باید پرسید که در مقایسه با دو شهر کوفه و قم که از مظاهر و اماکن اسلامی و به خصوص شیعی تلقی می‌شوند، شهر تفلیس در آن روزگار چه ویژگی داشته که این‌گونه مورد عنایت خداوند بوده‌است؟ غالب شهروندان این شهر مسیحی هستند و تا به امروز نیز دینداری اسلامی در این شهر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

پررنگ نبوده و نام این شهر در متون روایی تنها در یک روایت مربوط به اسامی و تعداد یاران امام زمان علیه‌السلام اشاره شده که پنج نفر از یاران ایشان تفلیسی هستند (طبری آملی، ٥٦٦). هرچند احتمال ساختگی بودن همین روایت نیز به دلیل ضعف منبع یعنی کتاب *دلائل الامامه* وجود دارد (توحیدی‌نیا، ۲۳۸-۲۲۳).

قاعده تسامح در روایات، چنین متونی را موجّه کرده و پیش‌فرض‌هایی را در اذهان مسلمانان به وجود آورده که گاه پاک کردن آنها غیرممکن است. بنابراین براساس شواهد و ادله دقیق، باید ساختگی بودن این قبیل از روایات برای مخاطب تبیین شود.

۲.۳. دخل و تصرف در روایات اصیل تاریخی

تسامح در نقل اخبار، پیامدهایی چون افزودن و کاستن اصل موضوع، دخالت سلیقه و برداشت شخصی، کجروی و انحراف را به همراه دارد. به طور مثال دیده می‌شود که در منابع متقدم یک گزارش تاریخی به شکل موجز نقل شده، اما با گذشت سالیان، توضیحات تفصیلی از زبان همان معصوم یا راوی بدان افزوده شده‌است. برای نمونه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۱. اهمیت واقعه کربلا به‌ویژه برای شیعیان در طول تاریخ بی‌نظیر بوده و عظمت قیام کربلا و ریشه داشتن در اعتقادات شیعه موجب اهمیت بیشتر حادثه شده‌است. در طول تاریخ پس از عاشورای سال ٦١، افزوده‌هایی در این ماجرا اتفاق افتاده که گاه با حادثه اصلی فرسنگ‌ها فاصله دارد. از این‌رو سنجش میان نسبت راویان حاضر در صحنه و اخبار موجود اهمیت دارد. تعداد راویان شیعه حاضر در کربلا و نیز تعداد افراد سپاه دشمن که از نزدیک شاهد ماجرا بوده و زنده ماندند، زیاد نیستند، اما ده‌ها کتاب از چند ساعت واقعه آن روز تألیف شده‌است. حتی لحن راوی نیز در گزارش ماجرا مهم است. اعتبار لحنی که با یقین همراه شده نسبت به لحن مردّد راوی متفاوت است. حجم انبوه روایات کربلا حاکی از تحریف قطعی در این واقعه است. حتی کتاب‌هایی مانند *مقتل الحسین*، روایاتی از زبان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد شهادت امام حسین علیه‌السلام گزارش می‌دهند. در این کتاب پیشگوئی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به شهادت امام حسین علیه‌السلام بر فراز منبر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

مسجد و در حضور همه مسلمانان مدینه، آمده است (اخطب خوارزم، ۲۴۳). بدیهی است که پیشگویی نبوی حداقل از باب بالا بودن انگیزه نقل، باید توسط شیعیان دست به دست می‌شد، اما امثال این روایات بیشتر در منابع اهل سنت نقل شده‌است.

جمله مشهور «قلوب الناس معك و سیوفهم مع بنی‌امیة» بیانگر گرایش مردم کوفه نسبت به امام حسین علیه‌السلام و همراهی با بنی‌امیه است (طبری آملی، ۱۸۲). این جمله نخستین بار از زبان فرزدق خطاب به امام حسین علیه‌السلام در نزدیکی مکه و هنگام خروج امام علیه‌السلام به سمت کوفه گفته شد. فرزدق اخبار کوفه را به امام علیه‌السلام عرض می‌کند و امام علیه‌السلام کلام او را تصدیق می‌کند: «قلوب الناس معك و سیوفهم مع بنی امیة و القضاء ینزل من السماء، و اللّه یفعل ما یشاء! فقال له الحسین [علیه السّلام]: صدقت، للّه الأمر، و اللّه یفعل ما یشاء، و کلّ یوم ربّنا فی شأن، إن نزل القضاء بما نحب فنحمد اللّه علی نعمائه، و هو المستعان علی أداء الشکر، و إن حال القضاء دون الرجاء، فلم یعتد من کان الحق نیته و التقوی سریرته» (ابومخنف، ۱۵۸). عوام و دشمنان، تصدیق امام حسین علیه‌السلام را ناظر به بخش نخست کلام فرزدق دانسته و حتی دشمنان، آن را دستاویزی برای تبرئه بنی‌امیه و عاملیّت شیعه در شهادت امام علیه‌السلام شمرده‌اند. چنین برداشتی حکایت از وقوع تحریف لفظی و معنوی در روایت دارد؛ چرا که امام حسین علیه‌السلام بخش دوم سخن فرزدق (قضای الهی) را تأیید کرد. طبری آملی با گرته‌برداری از بخش اول روایت، داستان‌هایی بدان افزود که در منابع متأخری مانند *نوادر المعجزات* و *مدینه معاجز الائمه الاثنی عشر* تکرار شد. طبق این نقل، یک حیوان نزدیک حضرت می‌آید و ایشان اوضاع کوفه را از آن می‌پرسند و حیوان در پاسخ می‌گوید: «قُلُوبُهُمْ مَعَكَ وَ سُیوفُهُمْ عَلَیكَ». سند روایت عبارتست از «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جُنَیدٍ عَنْ أَبِیهِ جُنَیدِ بْنِ سَالِمِ بْنِ جُنَیدٍ، عَنْ رَاشِدِ بْنِ مَزْید». علاوه بر این که منبع روایت (*دلائل الامامه*) اصالت ندارد، در کتب رجالی نیز نامی از اسامی راویان سند وارد نشده‌است. تسامح در نقل روایات، گاهی اصل روایت را مخدوش ساخته و تنها با شاخص‌های علمی، درستی و نادرستی این گزاره‌ها مشخص خواهد شد.

۲. در مثال دیگری، ابن هشام (متوفای ۲۱۸) به نقل از ابن اسحاق (متوفای ۱۵۱) آورده است، هنگامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و یارانش به غزوه تبوک رفته بودند، دچار کم آبی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

شدند، لذا صحابه از پیامبر ﷺ خواستند تا از خداوند طلب آب کند. خداوند ابـری را فرسـتاد و مـردم سـیراب شـده و رفـع حاجـت کردنـد (ابـن هشـام، ٤/ ٩٤٩). طبـری (متوفای۳۱۰) نیز به همین مقدار از ماجرا اشاره می‌کند (طبری، ۲/ ۳۷۰). این داستان بـه شـکل مفصـل‌تـری در *صـحیح* مسـلم (متوفـای ٢٦١) آمـده اسـت: در مسـیر تبـوک پیامبر ﷺ به یارانش فرمود شما فردا بعد از ظهر به چشمه تبوک می‌رسید، پس وقتـی به آن رسیدید قبل از من به آن دست نزنید. معاذ بن جبل می‌گوید وقتی ما به آن چشمه رسیدیم دو نفر از لشکر زودتر رسیده و به آب آن دست زدند. پیـامبر ﷺ خشـمگین شد و آنها را نفرین کرد. پس از آن اصحاب دست‌هایشان را پر از آب کردنـد تـا اینکـه آبی جمع شد و پیامبر ﷺ دست و صورت خود را با آن شست و مابقی را به چشـمه برگرداند. در این هنگام آب چشمه زیاد شد و صحابه آب نوشیدند (نیشابوری، ٦/ ٧٠). نکته قابل توجه در این داستان اینکه پیامبر ﷺ به دلیل مسئله ساده‌ای خشمگین شـود و عامل آن را نفـرین کنـد. پـس از مسـلم تنهـا ابـن عبـدالبر (متوفـای ٤٦٣) در کتـاب *الاستذکار* (۳/ ١٦٧) و در منابع شیعی *بحارالانوار* (علامـه مجلسـی، ۲۱/ ۲۵۰) بـه ایـن داستان استناد کردند که در نقل علامه مجلسی لعن پیامبر ﷺ حذف شده‌است. به‌رغم آنکه پایبندی به الفاظ روایات، عدم تصرف لفظـی و معنـایی و رعایـت امانـت‌داری در انتقال کلام معصوم جز در شرایط خاصی، تاکیـد شـده‌اسـت (شـهرزوری، ١٣٦؛ شـهید ثانی، ۳۱۵)، اما تسـامح در رعایـت ضـوابط روایـات، حـاکی از عـدم التـزام برخـی از مورّخین در پایبندی به متون اصیل و دخل و تصرف در حجم آنهاست.

۳.۳. تردید و وهن در پژوهش‌های تاریخ اسلامی

به جهت بازسازی تاریخ اسـلام چـاره‌ای جـز مراجعـه بـه کتـب حـدیثی نیسـت و کارآمدی این روایات تنها با وجود اخبار معتبر محقق خواهد شد. تک گـزاره‌هـایی کـه گاه در ذات خود ضعیف هستند، اثر سوئی بر روند جریان تحلیل و بـازخوانی حـوادث دارد و گاه لازم است حتی اخبار مشهور از نظر سند و متن و حتی منبع مـورد سـنجش قرار گیرد و به اصلاح پیش‌فرض‌های ناصحیح پرداخته شود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

نقد علمی متون حدیثی می‌تواند تاریخ اسلام و تحولات سیاسی مذهبی و اجتماعی آن را از حجاب شائبه‌ها و تردیدها خارج ساخته و سیمایی روشن از سنت معصومین در موضع‌گیری‌های سیاسی، تحولات اجتماعی، مسائل علمی، قانون‌گذاری و دیگر زمینه‌ها ارائه دهد (معماریان، ٣٤). مورّخان متقدم در پذیرش اخبار تاریخی به مانند مواجهه با احادیث رفتار نکرده و تساهل در پیش گرفته‌اند. ملاک‌های متاخرین در نقد اخبار، سبب برگشتن از شیوه ایشان و ایجاد شکاف بین ما و گذشتگان، سردرگمی و وقفه می‌شود. ذکر سند مخصوص امت اسلامی است و تاریخ سایر ملل چون بدون سند است، صرفاً متون آنها نقد می‌شود، اما در تاریخ اسلامی از سند برای ترجیح بین روایات معارض و طرد متون شاذ و مضطرب در چارچوب کلی سیر تاریخ استفاده می‌شود. باید توجه داشت که احادیث غیرتاریخی با قوانین سخت انتقادی مواجهند، ولی در اخبار تاریخی انعطافی در نظر گرفته می‌شود (عمری، ٢٦).

بی‌شک وقایع مربوط به زندگانی قبل از بعثت پیامبر ﷺ به مانند پس از آن، جذابیت و اهمیت خود را دارد. یکی از روایاتی که در تاریخ زندگانی پیامبر ﷺ از دوره شیخ کلینی به بعد، نقل شده، ماجرای شیر خوردن پیامبر ﷺ از سینه جناب ابوطالب است. طبق این روایت، هنگامی که پیامبر ﷺ متولد شد، چند روز بدون شیر بود و ابوطالب، پیامبر ﷺ را روی سینه خود قرار داد و خداوند درون سینه ابوطالب شیر قرار داد. پیامبر ﷺ مدتی از این شیر خورد تا آنکه ابوطالب از حلیمه سعدیه مطلع شد و پیامبر ﷺ را به ایشان تحویل داد (کلینی، ١/ ٤٤٨). این روایت به لحاظ سندی و به دلیل حضور علی بن ابی حمزه بطائنی ضعیف است. علامه مجلسی در توجیه متن روایت می‌نویسد شاید منظور شیر دادن فاطمه بنت اسد به پیامبر ﷺ بوده باشد، که این هم احتمال بعیدی است (علامه مجلسی، *مرآة العقول*، ٥/ ٢٣٢). در منابع متقدم مانند *طبقات* ابن سعد و *تاریخ یعقوبی*، اولین دایه پیامبر ﷺ قبل از حلیمه، ثویبه کنیز ابولهب معرفی شده‌است (ابن سعد، ٨٧/١؛ یعقوبی، ٢/ ٩). ثبت و پذیرش اینگونه روایات از سوی مدوّنین اولیه کتب روایی به وهن تاریخ اسلام از سوی مخالفان عقیده منتهی می‌شود و در کنار خرده‌های دشمنان، چه بسا پاسخ حاذق‌ترین علماء به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

آنها، تأویلی بودن آن قصص و معماهاست و کمتر محققی در پی نقد و حذف این قبیل متون ضعیف از منابع مذهب و فرقه خود است.

۴.۳. تاریخ‌سازی در وقایع

در تاریخ روایی گاه به تاریخ رویدادها به نحو تقریبی یا تحقیقی اشاره شده‌است. جدا از فاصله زمان وقوع تا دوره تدوین حدیث[۱]، تسامح در گزارش روایات تاریخی و عدم گزینش گزاره‌ها توسط مورّخین، حجمی از تاریخ‌های گوناگون از حوادث در برابر پژوهشگر و خواننده برجا گذاشته است.

آگاهی نسبت به تاریخ زندگانی افراد برجسته برای عموم انسان‌ها از باب جذابیت و گاه تکریم شعائر مورد توجه بوده‌است. از جمله مواردی که میان روایات تاریخی و قاعده تسامح ارتباط وجود دارد، سهل‌گیری در ارائه تاریخ ولادت یا رحلت فرزندان ائمه علیهم‌السلام است. به طور معمول تاریخ ولادت ائمه معصومین علیهم‌السلام از سوی خانواده امام علیه‌السلام به درستی بیان شده‌است، اما در مورد سایر فرزندان ائمه علیهم‌السلام چون گاهی تعداد آنها زیاد بوده یا شهرتی هم نداشته‌اند؛ مشخص نبوده که آن فرد چه وضعیتی به لحاظ گرایش و رفتار خواهد داشت و در آینده تشیع چه اندازه سهیم است، یا آنکه مرسوم نبوده چهل یا سالگرد بگیرند، همه این موارد سبب شده تا تولد و رحلت این بزرگان به خوبی ضبط نگردد؛ نیز به دلیل فقدان امکانات ضبط امروزی، تواریخ ایشان معمولاً ثبت نمی‌شد. البته اگر وقایع مذکور همزمان با اتفاق خاصی بود، آن اتفاق در اذهان و شاید کتب ثبت می‌شد؛ مانند سال ولادت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله که همزمان با حمله سپاه ابرهه به مکه بوده‌است. از دیگر سو نیز تاریخ‌نگاران عموماً افرادی وابسته به قدرت بودند و در مورد ضبط وقایع مربوط به زندگی اهل بیت علیهم‌السلام یا بی‌خبر بوده و یا دقت چندانی نداشتند. تصحیف در نوشتار و گفتار محدثین نیز بی‌تأثیر نبوده‌است. همه این عوامل در عدم اعتبار گزارش تاریخ‌های ولادت یا وفات نقش دارد.

برای نمونه در مورد تاریخ ولادت و وفات حضرت معصومه علیهاالسلام اطلاعات چندانی

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. *آشنایی با تاریخ حدیث*، مجید معارف.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

در منابع ثبت نشده‌است. شیخ مفید، در بین فرزندان دختر امام کاظم علیه‌السلام دو دختر را به نام‌های فاطمه‌صغری و فاطمه‌کبری ذکر می‌کند (شیخ مفید، ۲/ ۲٤٤). سبط ابن جوزی، در شمارش فرزندان امام کاظم علیه‌السلام علاوه بر این دو، از فاطمه وُسطی و اُخری نیز نام می‌برد (سبط ابن جوزی، ٤٦۹)، اما وی و متقدمین کمترین مطلبی درباره تاریخ ولادت حضرت معصومه علیهاالسلام درج نکرده‌اند. بنابر اینکه امام کاظم علیه‌السلام در سال ۱۷۹ به زندان افتاد و تا پایان عمر در زندان بودند، پس به‌طور طبیعی حضرت معصومه علیهاالسلام پیش از این به دنیا آمده است. در منابع معاصر، تاریخ ولادت ایشان در اول ذی‌القعده به عنوان تاریخ تقریبی و نه تاریخ تحقیقی مطرح است. ظاهراً فیض قمی (متوفای ۱۳۷۰) نخستین بار در کتاب‌های *انجم فروزان* و *گنجینه آثار قم* با استناد به دو کتاب *لواقح الانوار فی طبقات الاخیار*[۱] و کتاب *نزهه الابرار فی نسب اولاد الائمه الاطهار*[۲] چنین نقل کرده است: «تولد فاطمه بنت موسی بن جعفر در شهر مدینه و ماه ذی‌القعده سال ۱۸۳ و تاریخ وفات ایشان در دهم ربیع‌الثانی سال ۲۱۱ در شهر قم اتفاق افتاده است» (جعفریان، *جشن‌نامه آیت الله استادی*، ۳۹٦-۳٦۹). حال آن‌که در منابع معاصر دیگری آمده است که حضرت معصومه علیهاالسلام در روز اول ذی‌القعده سال ۱۷۳ هجری، در مدینه متولد شد (نمازی، ۸/ ۲٦۱).

یکی از محققین تاریخ پس از بررسی‌های خود به این نتیجه می‌رسد که تاریخ‌های مذکور در کتاب‌های معاصر و تقویم بی‌اساس است. او می‌نویسد کتاب *لواقح الانوار* در نظر این قاصر موجود است و اصلاً چنین مطلبی در آن نیست (محلاتی، ۵/ ۳۱). جعفریان در اعتراض به ثبت تاریخ تولد و وفات در تقویم، مطالبی با استناد به مجله «نور علم» و کتاب *ریاحین الشریعه* منتشر کرد (سایت ایبنا، «تاریخ ولادت...»). مرتضوی نیز در مقاله خود ضمن برشمردن تاریخ‌های متعدد ولادت یا رحلت ایشان و علت آن، با بررسی اولین منابع، بی‌اساس بودن تاریخ مذکور را تأکید می‌کند. او ضمن گزارشی، تلاش‌ها را برای یافتن تاریخ ولادت حضرت معصومه علیهاالسلام بی‌نتیجه می‌داند،

۱. تألیف عبدالوهاب شعرانی شافعی (متوفای ۹۳۷).
۲. تألیف سید موسی برزنجی شافعی مدنی.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

چرا که در منابع پیشین اشاره‌ای بـه آن نشـده و بنـابراین همچنـان بخشـی از جزئیـات زندگانی ایشان مجهول است (جعفریان، *جشن‌نامه آیت الله استادی*، ۳۹۶-۳۶۹).

آیت‌الله استادی درباره ولادت حضرت عبدالعظیم حسـنی نیـز پـس از بررسـی‌هـای متعدد در کتب رجالی و شرح احوال ایشان، تنها به تاریخ تقریبی سال تولد حضـرت در سال ۱۸۰ یا جلوتر از آن می‌رسد و اینکه سال وفـات ایشـان تـا قبـل از شـهادت امـام هادی علیه‌السلام یعنی سال ۲۵٤ هجری بوده‌است (استادی، ۳۰۷) و ارقام دقیق تولد ایشان نیز در جایی ثبت نشده‌است.

کاربست قاعده تسامح نه تنها کمکی به حلّ این قبیل مجهولات نمی‌کند، بلکه الغـای شرایط حجیت اخبار تاریخی، سبب تکرار نقل‌های ضعیف و گاه بی‌اساس تاریخی شده که در منابع شفاهی و مکتوب قرن‌ها باقی می‌ماند. هرچند پذیرش چنین روایاتی آسـیبی به باورهای مردم وارد نمی‌سازد، اما دور شدن از حقایق، پژوهش‌هـای نـامعتبری را بـه دست می‌دهد که فاقد ارزش علمی لازم خواهند بود.

نتیجه

تاریخ روایی یکی از منابع نقلی مهم کشف حقـایق تـاریخی اسـت. تأسـیس قاعـده تسامح در ادله سنن بر مبنای الغای شرایط حجیت خبر واحد و تسـرّی آن بـه روایـات تاریخی، سبب پذیرش حداکثری روایات می‌شود. روایات متواتر تاریخی (اعم از لفظـی یا اجمالی) هرچند ضعیف السند باشـد، قابـل پـذیرش اسـت، امـا در خصـوص اخبـار ضعیف واحد و بدون پشتوانه نمی‌توان همه آنها را پذیرفت. بنـابراین بایـد بـه روایـات تاریخی ضعیفی که همزمان تکرارپذیری کمتر، ضعف سندی و غرابـت وقـوعی دارنـد، با دیده شک نگریست. جعل تاریخ و تناسب‌سـازی آن بـا خواسـته‌هـا و منـافع فـردی، تاریخ‌سازی، دخل و تصرف و تردید در پژوهش‌های تاریخی از جمله آسیب‌هایی است که به سبب کاربست این قاعده و با بـی‌تـوجهی بـه مرزبنـدی متـون حـدیثی و قواعـد سنجش روایی بر پیکره منابع تاریخی وارد می‌شـود. نقـد علمـی و روشـمند درونـی و برونی متون حدیثی، تاریخ اسلام و تحوّلات آن را، از تردیدها خارج می‌سازد و تصـویر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

روشنی از سنت معصومین علیهم‌السلام در کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی-اجتماعی ایشان ارائه می‌دهد. بر این اساس در گام اول نیاز به بررسی سندی و اهتمام به قواعد جرح و تعدیل و سنجش نسبت میان راوی و روایت است و در گام دوم تحلیل محتوایی متون روایی تاریخی طبق معیارهای پذیرش متن ضرورت دارد. با این شیوه می‌توان متون تاریخی منقحی در اختیار پژوهشگران تاریخ اسلام قرار داد و آن را از طعنه شبهه افکنان رهانید.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دارالاحیاء لتراث العربی، ۱۳۹۱ق.
- ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
- ابن شهرآشوب، محمدبن‌علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۹۵۶.
- ابن عبدالبر، یوسف، الاستذکار، تحقیق سالم محمد عطا و محمد علی معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰.
- ابن فهد حلی، احمد، عده الداعی و نجاح الساعی، قم، مکتبه وجدانی، بی‌تا.
- ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، مکتبه الصبیح، ۱۹۶۳.
- ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعه الطف، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد، مقتل الحسین ۷، قم، دارانوارالهدی، ۱۴۲۳.
- ادیبی لاریجانی، محمدباقر، مرزدار مکتب اهل بیت:، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۸۷.
- استادی، رضا، «آشنایی با حضرت عبدالعظیم و مصادر شرح حال او»، نور علم، ش۵۰ و۵۱، فروردین و تیر، ۱۳۷۲.
- امین، احمد، پرتواسلام، ترجمه عباس خلیلی، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
- آئینه‌وند، صادق، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، طهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۳۰-۱۳۷۰.
- توحیدی‌نیا، روح‌الله و نعمت اله صفری فروشانی، «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم هجری»، تاریخ اسلام، شماره۶۴، زمستان۹۴.
- جعفری، اکرم و دیگران، «واکاوی عوامل رویکرد به قاعده تسامح»، علوم حدیث، زمستان، ۱۳۹۷.
- جعفریان، رسول، جشن‌نامه آیت الله استادی، تهران، مورّخ، ۱۳۹۳.
- ـــــــــــــ، «شیوه نقد اخبار تاریخ اسلام در بحارالانوار»، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره۳، پاییز، ۱۳۹۵.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

– ـــــــــــــــــ، «روش ابن حزم در نقد اخبار تاریخی»، پژوهش و حوزه، شماره ۱۳و ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۸۲.
– جوادی، قاسم، «کتاب سلیم بن قیس هلالی»، علوم حدیث، شماره ۳۵و۳۶، بهار و تابستان، ۱۳۸۴.
– حسن‌بیگی، علی و مجید زیدی جودکی، «رهیافتی به ضوابط معیار قرار گرفتن تاریخ برای ارزیابی روایات»، شماره ۹۱، بهار ۱۳۹۸.
– حسینی، بی‌بی‌زینب و مهدی جلالی، «بررسی روایات فضائل و مثالب شهر قم»، علوم حدیث، شماره۱، ۱۳۹۱.
– دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الی صواب، قم، انتشارات سیدرضی، ۱۴۱۲.
– روضاتی، محمدعلی، «سی و یک نکته در باب سلیم به قیس و کتاب او»، ترجمه عبدالحسین طالعی، فصلنامه سفینه، زمستان ۱۳۹۳.
– سبط ابن جوزی، یوسف، تذکرة الخواص من الامه بذکر خصائص الائمه، قم، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۶.
– سجادی، صادق و هادی عالم زاده، تاریخ نگاری در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۸۹.
– سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، الاعلان بالتوبیخ لمن ذم اهل التاریخ، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
– شیخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴.
– شهرزوری، عثمان بن عبد الرحمن، مقدمه ابن صلاح، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶.
– شهید اول، ذکری الشیعة فی أحکام الشریعة، قم، مؤسسة آل البیت: لإحیاء التراث، ۱۴۱۹.
– شهید ثانی، زین الدین بن علی، الرعایه فی علم الدرایه، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۸.
– طباطبایی، محمدکاظم، منطق فهم حدیث، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
– طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.
– طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق گروهی از علماء، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۸۷۹.
– طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، بعثت، ۱۴۱۳.
– عسکری، مرتضی، نقش عایشه در تاریخ اسلام، قم، موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری، ۱۳۹۰.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]

– ـــــــــــــــــ، یکصد صحابه ساختگی، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۷۸.
– علامه مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
– ـــــــــــــــــ، مرآة العقول، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴.
– العمری، اکرم ضیاء، بحوث فی التاریخ السنه المشرفه، مدینه منوره، مکتبه العلوم و الحکم، ۱۴۱۵.
– قمی، حسن بن محمد، تاریخ‌قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح جلال‌الدین طهرانی، تهران، توس، بی‌تا.
– کافیجی، محمدبن سلیمان، المختصر فی علم التاریخ، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۰.
– کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، الاسلامیه، ۱۴۰۷.
– مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵.
– محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹.
– مسعودی، عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، تهران، سمت، ۱۳۹۳.
– معارف، مجید، «رابطه تاریخ و فهم و نقد حدیث»، پژوهش دینی، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۸۵.
– ـــــــــــــــــ و مژگان خان بابا، «بررسی و نقد متفردات کتاب سلیم بن قیس هلالی»، فصلنامه علوم حدیث، شماره۷۶، تابستان۱۳۹۴.
– ـــــــــــــــــ و یحیی میرحسینی، «نقد و بررسی حدیثی در فضیلت ایرانیان»، دو فصلنامه حدیث پژوهی، شماره چهارم، پاییز و زمستان، ۱۳۸۹.
– معماریان، داود، مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۳.
– نمازی، شیخ علی، مستدرک سفینه البحار، قم، موسسه نشر اسلامی، بی‌تا.
– نووی، محیی الدین، المجموع فی شرح المهذب، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
– نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
– یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
– یوسفی غروی، محمدهادی، آشنایی با منابع اسلام و تاریخ تشیّع و روش نقد اخبار، قم، نشر معارف، ۱۳۹۴.
– سایت ایبنا، «تاریخ ولادت و وفات حضرت معصومه در کتاب ها/ انتقادهای رسول جعفریان درباره دو تاریخ ساختگی»؛
http://www.ibna.ir/fa/shortint/206110

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.5]